



«شرق» پشت پرده برکناری رابرت مالی از وزارت امور خارجه ایالات متحده را بررسی می کند

یک غیبت و هزار تفسیر

عبدالرحمن فتح الهی: برکناری رابرت مالی از سمتش به عنوان نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران به دلیل سوءاستفاده یا سوءمدیریت احتمالی در قبال اسناد طبقه‌بندی‌شده و محرمانه و متعاقبش گماردن آبرام پالی به جای او، کماکان محل بحث در محافل سیاسی و رسانه‌ای است و به دنبالش شاهد برخی واکنش‌های کاخ سفید و کنگره نیز هستیم. با وجود آنکه نه شخص راب مالی، نه کاخ سفید، نه وزارت امور خارجه آمریکا و نه هیچ مقامی از دولت جو بایدن این تغییرات را به موضوع تهران ارتباط نداده‌اند، اما در این بین بیشتر آن را و نظرات روی تأثیر برکناری راب مالی بر مسئله ایران، آینده مذاکرات پشت پرده چند ماه اخیر و سرنوشت توافق احتمالی تهران – واشنگتن تمرکز دارد. در همین باره جان کربی، مقام ارشد رسانه‌ای کاخ سفید، روز جمعه درباره خروج رابرت مالی از وزارت خارجه ایالات متحده گفت تغییری در رویکرد دولت ایالات متحده در قبال ایران ایجاد نشده است. هماهنگ‌کننده ارتباطات راهبردی شورای امنیت ملی کاخ سفید ابتدا اشاره کرد که توضیحات درباره علل تغییرات پرسلی، به‌خصوص درباره رابرت مالی، باید توسط وزارت امور خارجه آمریکا ارائه شود اما جان کربی با تأکید عنوان کرد که به طور کلی «هیچ تغییری در رویکرد ثابتی که دولت بایدن ما نسبت به ایران دارد ایجاد نشده است». به گفته این مقام کاخ سفید، «رویکرد رئیس جمهوری اِجو بایدن در قبال ایران ثابت بوده است و من پیش‌بینی می‌کنم که شاهد ادامه آن باشیم». رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند که در ادامه تحقیقات درباره احتمال «سوءاستفاده از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده» توسط رابرت مالی، ابتدا مجوز امنیتی او تعلیق شد، اما از روز پنجشنبه، مالی به مرضی بدون حقوق فرستاده شد. با این وجود این گزاره احتمالی مطرح است که برکناری رابرت مالی ارتباطی به سوءاستفاده و سوءمدیریت او در قبال اسناد طبقه‌بندی‌شده و محرمانه نداشته باشد و بیشتر ناظر به تغییر رویکرد دولت بایدن در قبال ایران است. به‌خصوص آنکه برخی چهره‌های داخلی مانند محمد مرندی به‌تازگی از برکناری علی واعظ (مشاور رابرت مالی) هم خبر دادند که نشان می‌دهد این تغییرات نمی‌تواند بی‌ارتباط با تغییر نگاه احتمالی واشگتن به تهران به موازات انجام مذاکرات پشت پرده باشد.

پای برت مک گورک در میان است؟

در میانه برخی گمانه‌زنی‌ها درباره تعلیق استعلام امنیتی راب مالی، نیویورک تایمز در گزارشی اعلام کرد که حتی قبل از انتشار اخباری درخصوص تعلیق مالی، او ظاهرا در ماه‌های اخیر، نقش کم‌رنگ‌تری در سیاست ایالات متحده در قبال ایران ایفا کرده است؛ بنابراین این گزاره مطرح است که با وجود روی‌کارآمدن آبرام پالی به جای راب مالی، گزینه‌های دیگری امور مربوط به ایران را بر عهده دارند، کم‌اینکه نیویورک تایمز در گزارشش بر این باور است که «برت مک گورک عملا مذاکرات پشت پرده یا تهران را به دست گرفته، فردی که در مقایسه با مالی رویکرد مستحترری در قبال تهران دارد و آنچه ممکن است از طریق مذاکره قابل دست‌یابی باشد، اتخاذ می‌کند». به همین سبب بسیاری از تحلیلگران گفته‌اند که حتی قبل از این مرضی‌های باحقوق و بدون حقوق، نقش مالی در امور ایران بسیار کم‌رنگ شده بود و نیویورک‌تایمز نیز در این خصوص نوشت «مانی» که دولت بایدن، مذاکرات غیرمستقیمی را با مقام‌های ایرانی در عمان و در بهار امسال انجام دادند، این برت مک گورک، مقام ارشد کاخ سفید در امور غرب آسیا بود که نقش رهبری مهمی در مذاکراتی را ایفا می‌کرد.

برت مک گورک که نماینده ویژه رئیس‌جمهوری آمریکا در ائتلاف جهانی مبارزه با داعش است، در اکتبر ۲۰۱۵ توسط باراک اوباما به این سمت منصوب شد و تا سال ۲۰۱۸ توسط دولت ترامپ در این سمت باقی ماند. قرار بود مک‌گورک پست خود را در اواسط فوریه ۲۰۱۹ ترک کند اما او در ماه دسامبر پس از تصمیم ترامپ برای خروج نیروها از سوریه استعفاش را اعلام کرد. در عین حال به باور بسیاری، مک‌گورک از معماران استراتژی بوش برای افزایش سربازان آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۷ بود. مک‌گورک همچنین به عنوان قائممقام دستیار وزیر خارجه در امور خاورمیانه با تمرکز بر عراق و ایران فعالیت می‌کرد و از اکتبر ۲۰۱۴ تا ژانویه ۲۰۱۶ مذاکرات مخفیانه‌ای را با ایران انجام داده بود که منجر به مبادله زندانیان و آزادی چهار آمریکایی از ایران شد.

او پیش از این در زمان رئیس‌جمهور جورج دبلیو بوش در سمت دستیار ویژه رئیس‌جمهور و مدیر ارشد عراق و افغانستان و زیر نظر رئیس‌جمهور اوباما در مقام مشاور ویژه شورای امنیت ملی ایالات متحده و مشاور عالی سفیر آمریکا در عراق خدمت می‌کرد. در ضمن مک گورک یکی از مذاکره‌کننده‌های ارشد آمریکا درباره برجام بوده است. جو بایدن پس از ریاست‌جمهوری اعلام کرده بود که مک‌گورک مدیر کل خاورمیانه و شمال آفریقای شورای امنیت ملی آمریکا و مشاور او خواهد بود.

با این پرونده و سابقه، بسیاری از بازیگران منطقه غرب آسیا به خوبی با مک گورک آشنا هستند، البته که همه از او راضی نیستند؛ چراکه از آن نظر دولت ترکیه بسیار نامحبوب است. مقامات ترک پس از انتصاب وی در رسانه‌ها اعلام کردند که مک گورک به روابط ترکیه و آمریکا آسیب زده بود. مک گورک از همان ابتدا اقرار بود به تنظیم و اعمال برنامه‌های بایدن برای نزدیکی دوباره با ایران و سیاست‌ها در قبال سوریه و عربستان پردازد. با در نظر داشتن مجموعه نکات یادشده، ناظران با اشاره به حضور مک‌گورک در دور مذاکرات جدید مذاکرات تهران – واشنگتن در مسقط، از این تغییر (مک گورک به جای مالی) به عنوان نکته‌ای مهم یاد کرده‌اند که از نظرها مغفول مانده است.

پیش از این تازنمای آکسیوس گزارش داد که برت مک‌گورک در ماه می، طی سفری بی‌سروصدا به عمان سعی داشت تا درباره تماس احتمالی دیپلماتیک با ایران درباره برنامه هسته‌ای، با مقام‌های عمانی رایزنی کند. آکسیوس به نقل از چهار مقام آمریکایی و اسرائیلی نوشت که مک‌گورک هشتم ماه می (۱۸ اردیبهشت) پس از سفری که به همراه جیک سالپوان، مشاور امنیت ملی کاخ سفید به عربستان و سرزمین‌های اشغالی داشت، به مسقط پایتخت عمان رفت. این سفر توسط آمریکا و عمان علنی نشد اما مقام‌های آگاه گفتند که محور اصلی این سفر رایزنی درباره تلاش تازه دیپلماتیک درخصوص برنامه هسته‌ای ایران با میانجیگری عمان بود؛ ازاین‌رو چنین به نظر می‌رسد که درحال‌حاضر مالی از تلاش حیاتی دولت بایدن برای ایجاد محدودیت بر برنامه هسته‌ای ایران در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا کنار گذاشته شده و واشگتن، برت مک گورک را برای ایفای این نقش مشخص کرده است.

احیای این توافق، با توجه به اعتراضات داخلی در ایران، دیگر در مرکز توجه این وزارتخانه قرار ندارد، اما از اواخر سال گذشته میلادی نقطه شروع مذاکرات توسط راب مالی در نیویورک گذاشته شد. پیرو این موضوع، در روزهای نخست ماه ژوئن گزارش شد که او (راب مالی) اخیرا چندین بار با امیرسعید ابروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، دیدار کرده است. باین‌حال سسی‌ان‌ان می‌گوید معلوم نیست که این دیدارها قبل یا بعد از تعلیق مجوز امنیتی او بود.

مالی در دولت‌های کلینتون و اوباما هم روی قضیه ایران کار می‌کرد. در دوران اوباما او بخشی از تیم دیپلماتیک مذاکره‌کننده‌ای بود که به تدوین توافق هسته‌ای ایران کمک کرد. او همیشه هدف حمله تندروهای ضدایرانی بود که او را هوادار تهران می‌پنداشتند. مالی همچنین با آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، برای چندین دهه دوست بوده که سابقه آن به دوران نوجوانی و همکلاسی بودن آنها در پاریس برمی‌گردد.

در این بین، ابرام پالی که چهره‌ای کمتر شناخته‌شده‌تر است، می‌تواند جای رابرت مالی را پر کند؟ اگر درنهایت نتیجه تحقیقات به برکناری دائمی رابرت مالی منجر و جایگزینی آبرام پالی قطعی شود، این سؤال مطرح است که آیا پالی پتانسیل راب مالی را خواهد داشت؟ سؤال مهم‌تر آنجاست که اگر به‌واقع تغییر نگاه دولت بایدن در قبال ایران ارتباط مستقیمی به برکناری رابرت مالی داشته باشد، روی کار آمدن آبرام پالی به چه معناست؟ از این‌رو در داخل این‌گونه مطرح شده است که سابقه نشان می‌دهد در دو سال اخیر تغییرات در تیم مذاکره‌کننده آمریکایی منجر به بهبود وضعیت مذاکرات شده است. خارج‌شدن ریچارد نفیو، معمار تحریم‌های ضدایرانی و شاپیرو، سفیر اسبق آمریکا در اسرائیل که بر توافق طولانی‌مدت‌تر و محکم‌تر تأکید داشتند و درصدد اجرای برجام‌های ۲ و ۳ بودند، به کاهش نسبی تنش‌ها انجامید؛ از این‌رو این تغییرات در کنار حل برخی مسائل ایران و آژانس و عدم انتشار قطع‌نامه ضدایرانی در شورای حکام در ماه‌های اخیر معنادار است. اخبار یک ماه اخیر نشان می‌دهد تعلیق رابرت مالی مذاکرات را از حالت معلق خارج کرده است.

با این همه، مسائل مهمی در دوره خلا حضور راب مالی وجود دارد که باید دید چگونه پیش خواهند رفت؛ کم‌اینکه انگلیس به عنوان عضو دائم شورای امنیت و از اعضای دارای حق وتو که یکی از سه طرف اروپایی برجامی نیز محسوب می‌شود، با پایان‌یافتن ماه ژوئن و آغاز ماه میلادی جولای رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان ملل شد. هم‌زمان با ریاست انگلیس در شورای امنیت، نشست دوره‌ای این شورا درباره قطع‌نامه ۲۲۳۱ درخصوص ایران و بررسی پانزدهمین گزارش آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل، دراین‌باره تشکیل خواهد شد.

دوم تیرماه جاری، لیندا توماس گرینفیلد، سفیر و نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل، به همراه سفرای اوکراین، فرانسه، انگلیس و آلبانی در هراس از همکاری نظامی تهران-مسکو، ادعای استفاده از پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین از سوی روسیه را تکرار و آن را نقض قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت خواندند.

نمایندگی ایران در سازمان ملل بلافاصله در همان روز در واکنش به ادعاهای پهپادی و ضدایرانی آمریکا، اوکراین و سه کشور اروپایی گفت این اقدام، «یک نمایش سیاسی برای بدنام‌کردن ایران در جنگ اوکراین است» و به دنبال تأثیرگذاری بر گزارش دوره‌ای شش‌ماهه آنتونیو گوتروش، دبیرکل سازمان ملل، در اجرای قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت هستند. اکنون در فقدان حضور مالی و سپردن امور به برت مک‌گورک و آبرام پالی باید دید شرایط به چه سمتی پیش خواهد رفت؟

واکنش کنگره

علاوه بر موضوع تأثیرگذاری برکناری راب مالی بر پرونده ایران، این تغییرات در بدنه وزارت امور خارجه آمریکا ابعاد وسیع‌تری هم در ساختار سیاسی این کشور پیدا کرده تا جایی که پای کنگره هم به میان آمده است؛ چراکه رسانه‌ها پیش از این گزارش داده بودند وزارت خارجه درباره تعلیق استعلام امنیتی نماینده ویژه دولت جو بایدن در امور ایران، کنگره را کمره کرده است. از این‌رو برکناری راب مالی در ادامه واکنش رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا را به دنبال داشت که از دولت بایدن خواست درباره اتهامات مطرح‌شده علیه نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران که منجر به تعلیق مجوز امنیتی او شده است، توضیحات کاملی ارائه دهد. شکیه خبری سی‌ان‌ان گزارش می‌آید که به نام جدید پست پیدا کرده است که نشان می‌دهد مایکل مک‌کال، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، از وزارت امور خارجه این کشور خواسته است درباره وضعیت راب مالی، نماینده ویژه دولت آمریکا در امور ایران و اتهامات مطرح‌شده علیه او به‌طور کامل توضیح دهد. این نامه پس از آن منتشر شده است که سی‌ان‌ا اولین بار گزارش داد که مجوز راب مالی در بعبوه تحقیقات داخلی درباره دسترسی او به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده تعلیق شده است. مک‌کال در این نامه آورده است: «این گزارش‌ها، نگرانی‌های جدی هم در مورد رفتار راب مالی و هم اینکه آیا وزارت خارجه کنگره و افکار عمومی آمریکا را کمره کرده است. ایجاد می‌کنند». وی در نامه خود افزوده است: «درحالی‌که تعلیق مجوز مالی به‌طور مستقل نگران‌کننده است، نگرانی ما با قصور وزارت امور خارجه در پاسخ به تلاش‌های کمیته برای نظارت بر مذاکرات و سیاست خود در قبال ایران تشدید می‌شود».

این عضو جمهوری‌خواه خاطرنشان کرد که عدم اطلاع وزارت امور خارجه از این ارشد وزارت امور خارجه به کمیته روابط اطلاع داده‌اند که راب مالی به دلیل بیماری یکی از اعضای نزدیک خانواده در مرضی شخصی قادر به حضور یا ارائه توضیحات نیست، اما در هیچ‌کجا اعلام نکرده است که مجوز امنیتی او به حالت تعلیق درآمده یا در حال بررسی است، یا اینکه وی به دلیل سوءرفتار احتمالی تحت بازجویی قرار گرفته است».

مک‌کال در نامه خود خاطرنشان کرد که عدم اطلاع وزارت امور خارجه از این موضوع، در بهترین حالت نشان‌دهنده فقدان صراحت است و در بدترین حالت نشان‌دهنده ارائه عمدی اطلاعات غلط و بالقوه غرقانونی. وی علاوه بر این از آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، خواست تا گزارش مفصلی از تمام اتهامات، تحقیقات یا یافته‌های هرگونه سوءرفتار مربوط به راب مالی ارائه دهد.

ادامه از صفحه اول

حزب؛ پیروزی در انتخابات یا تولید قدرت؟

از سوی دیگر، امنیت قضائی برای اعلان حزبی تأمین لازم را ندارد. از همین روست که در ایران «حزبانده» که ترکیبی از حزب سیاسی و باند رفاقتی است، شکل رایج سیاست‌ورزی شد. «حزبانده‌ها» کالما با شرایط سیاسی کوتاه‌مدت ایران منطبق شده و بدون اتصال به بدنه اجتماعی حیات لحظه‌ای یافته‌اند. «حزبانده» خود یک گونه «الیتیستی» از حیات سیاسی است. مشکل چهارم آن است که ارزش حزب در محافل سیاسی ایران صرفا به فعالیت سیاسی معطوف به ورود در قدرت خلاصه شده؛ یعنی به سطحی‌ترین لایه بسنده شده است. لایه‌های تودرتوی فعالیت اجتماعی حزبی کمتر درک شده است. حزب باید در عرصه‌ای به نام «بازار قدرت» مورد توجه قرار گیرد. همچنان‌که یک جامعه نیاز به یک بازار رسمی دارد، همچنان‌که یک جامعه نیاز به دانشگاه دارد که بتوانند فعالیت علمی دانشوران را نهاده‌ای پایدار و هدفمند کنند. همچنان‌که یک جامعه نیاز به نهاد صنعت دارد تا بتواند به الزامات یک جامعه صنعتی پاسخ گوید، به همین سان جامعه نیازمند نهاد رسمی سیاست است. اصلی‌ترین عنصر این نهاد، احزاب سیاسی‌اند. حزب نه یک فعالیت زائد بلکه یک نهاد ضروری برای ثبات سیاسی یک ملت است. حزب وسیله‌ای برای کانال‌کشی‌های زیربنایی در زمین قدرت اجتماعی است که بتواند زمینه رشد نهال‌های گوناگون قدرت را برای قوام و دوام سیاسی یک جامعه فراهم کند. قدرت سیاسی-مدنی، نیازمند استحکام و رسوب در لایه‌های زیرین یک اجتماع است. این استحکام توسط احزاب سیاسی بدید می‌آید. هر جامعه‌ای نیاز به قدرت اجتماعی دارد؛ آن‌هم از نوع «قدرت اجتماعی متشکل» و نه قدرت غیرمتشکل هیتی. برخی تلاش کرده‌اند هیئت‌ها را جایگزین قدرت متشکل سیاسی کنند. برخی حتی تا بدان حد پیش رفته‌اند که هیئت‌ها را دایر مدار فعالیت اقتصادی کنند. این ناشی از یک درک ناقص و سطحی از نهاد اقتصاد و نهاد سیاست است. همه مردم فرصت و علاقه‌ای به حضور دائمی در سیاست ندارند. باید نهاد حزب متکفل این امر شود. این یک ضرورت برای انتظام قدرت‌ورزی در یک جامعه است. زندگی اجتماعی ذاتا با قدرت‌ورزی شهروندان آمیخته است. به نظر می‌آید که یک وجه مهم فعالیت فکری احزاب سیاسی باید معطوف به روشنگری در همین موضوع باشد تا جایی که مردم به اعضای یک حزب سیاسی به دیده افرادی بنگرند که درحال انجام یک وظیفه مهم اجتماعی‌اند و درواقع بار زندگی آنان را سبک می‌کنند و امنیت ظاطری برای جامعه فراهم می‌کنند. برای من شهروند دانشگاهی اصولا اسباب آرامش خاطر است که شماری از شهروندان در گوشه‌هایی از شهر تحت عنوان فعالیت حزبی کردهم آمده‌اند و به «بازار قدرت» می‌اندیشند. این بازار سیاه قدرت جلوتری می‌کنند و سعی در حک و اصلاح و پایش این بازار مهم می‌کنند. این سخنان، البته دلیل بر عدم احتمال اغوجاجات و انحرافات احزاب سیاسی از وظایف خویش نیست اما همچنان‌که دانشگاه را به دلیل وجود بازار سیاه پایان‌نامه و مقاله تعطیل و تضعیف نمی‌کنیم، همچنان‌که بازار تهران را به‌دلیل بازار سیاه تعطیل و تضعیف نمی‌کنیم، به همین سان احزاب سیاسی را هم نباید به دلیل تخلفات احتمالی تضعیف و تعطیل کنیم. درک جامعه سیاسی، حاکمیت و مردم از حزب و بازار قدرت باید به این مهم رهنمون شود.

ضرورت شیفت پارادایم علم در برنامه‌های راهبردی وتوسعه‌ای

به‌جرت می‌توان گفت ناموفق‌ترین برنامه راهبردی در زمینه دانش، سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش است که بعد از ۱۲ سال همچنان در حد یک نوشتار بدون کاربست اجرایی باقی مانده است. در این سند نهاد تعلیم و تربیت «مسئولیت آماده‌سازی دانش آموزان برای تحقق مرتبه‌ای از حیات طبیه در همه ابعاد را بر عهده دارد». حیات طبیه از آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل برگرفته شده است. گذشته از اشکال فوق در مورد ارزش‌ها و شواهد، علم و خرد آخرت‌گر، عبارت حیات طبیه و اصل جمله در آیه فوق «با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند به حیات جدیدی غیر آن حیات که به دیگران نیز داده زنده می‌کند (محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۴۹۲). اگر هدف تدوین‌کنندگان سند، یک آرمان ارزشی مانند حیات طبیه باشد، این حیات را خدای تعالی ارزانی می‌کند نه سیاست‌گذاران و مجریان تعلیم و تربیت. تفاوت بین آرمان‌ها، چشم‌انداز، اهداف و راهبردها نشان از نبود باور و تعهد به سند است. در راهبردها و برنامه‌های عملیاتی که به واقع در مدرسه شکل می‌گیرد، کمتر ردیایی از تلاش برای باروری ایمان و عمل صالح دیده می‌شود. اگر چنین بود، این همه آسیب اجتماعی در سطح جامعه مشهود نبود. فارغ از بحث در محتوای سند ۲۰۳۰ یونسکو و سازمان توسعه ملل متحد، بخش عمده‌ای از تهیه‌کنندگان سند ملی ۲۰۳۰ همان‌ها هستند که در تهیه سند تحول بنیادین هم نقش داشته‌اند. این تفاوت در آرمان‌ها، راهبردهای حل‌چالش‌ها و اهداف منجر به عقیم‌شدن برنامه‌های استراتژیک شده است. سند تحول به‌جای تمرکز بر مسئله ناتوانی دانش‌آموزان در روخوانی، درک و فهم محتوای نوشتارها، به آرمانی که خدای تعالی وعده تحقق آن را مشروط به ایمان و عمل صالح کرده است، می‌پردازد و تکلیفی غیربشری را برای خود منظور می‌دارد. نتیجه چنین سند تحول بنیادینی به‌جای آشنایی نوجوانان با پایه‌های علوم و ریاضیات، حرص و تلاش زائدالوصف آنها و خانواده‌ها برای ورود به دانشگاه‌ها و رشته‌های تحصیلی پردرآمد یا رشته‌های منتهی به شغل و استخدام شده است. حاصل این تلاش نه اشتغال جوانان فارغ‌التحصیل بلکه اشتغال میلیاردی مؤسسات کنکور و مدارس غیرانتفاعی وابسته به اشخاص و نهادهای سیاست‌گذار تعلیم و تربیت شده است. درنهایت از قانون‌گذاران مشغول تدوین برنامه توسعه هفتم (فصل‌های ۱، ۱۱۹ و ۲۰) و سیاست‌گذاران آینده که برنامه‌ای درازمدت برای کشور خواهند نوشت، انتظار می‌رود که برای استقلال و خلق علم در مدارس و دانشگاه‌ها از باورهای غیرمولد قبلی به اندیشه‌های زایا روی آورند و برای حل مسائل ایران از پارادایم توسعه دانشی که اهداف و راهبردهای آن در گذشته امکان تحقق نداشته و موجب وابستگی علمی بیشتر به دانش دیگران به‌ویژه غرب شده است، به پارادایمی بر پایه آفرینش دانش شیفت کنند.

«آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای خدمات حفظ و نگهداری فضای سبز، محوطه و مجموعه انبار های ساختمان های وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲»
نوبت دوم
۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: وزارت ورزش و جوانان به نشانی تهران، خیابان ستول، ساختمان شماره یک ۲- موضوع مناقصه: عبارت است از تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای خدمات حفظ و نگهداری فضای سبز، محوطه و مجموعه انبارهای ساختمان های وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ ۳- شماره مناقصه به منظور دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۰۷۰۰۰۰۰۰۱۳۰۰۰۰۲۰۰۲ ۴- مهلت و نشانی دریافت اسناد مناقصه و بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۱-۴) (مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۱۷ لغایت ۱۴۰۲/۴/۱۷ می باشد. ۲-۴) مهلت زمانی تحویل و ارائه اسناد و مدارک و پیشنهادات به صورت حضوری (پاکت الف، ب و ج) از تاریخ ۱۴۰۲/۴/۱۸ لغایت ۱۴۰۲/۴/۲۷ می باشد. ۵- مدت اعتبار پیشنهادات: از تاریخ برگزاری مناقصه به مدت ۳ ماه می باشد. ۶- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ارائه ضمانت نامه بانکی معتبر در وجه وزارت ورزش و جوانان و یا به شماره شبای ۱۵۵۳۶۱۸۱۲۸۱۰۰۰۰۰۴۱۰۰۰۰۰۰۰۰ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نام پرداخت رد وجوه سپرده به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۲۲۰۰ ریال ۷- زمان برگزاری جلسه مناقصه: مناقصه راس ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۴/۲۸ در سالن جلسات وزار تخانه تشکیل و نسبت به پیشنهادات رسیده اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۸- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج گردیده است. سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir م الف ۱۲۲۳ شناسه آگهی ۱۵۱۸۸۳۷